

بازتاب عناصر داستان حضرت یوسف (ع) در هنر شاعران قرن ششم (جمال‌الدین اصفهانی، عبدالواسع جبلی، حسن غزنوی، انوری)

بابک دهقانی^{۱*}، فریده انصاری^۲

۱- مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرعباس

۲- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد

tarikhtheater@gmail.com

دانشگاه جامع علمی کاربردی، مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی بندرعباس

University of Applied Science and Technology, Bandar Abbas ACECR Center, Iran

چکیده

انعکاس داستان زندگی پیامبران یکی از بن‌مایه‌های اصلی نزد شاعران است. با بازخوانی زندگی حضرت یوسف (ع) در قرآن و استخراج و مطالعه‌ی تلمیحاتی که در دیوان و اشعار شاعران از این داستان انعکاس یافته است. این داستان بخاطر ویژگی خاصی که دارد برگزیده شده و آن ویژگی این است که تنها داستانی که عرفا از آن و جنبه‌های مختلف آن تأویل به قصه روح و سیر و سفر روح در سلوک عرفانی خود و گذر از چاه ذلت تا ماه عزت نموده‌اند. در پژوهش حاضر به بررسی داستان حضرت یوسف در شعر شاعران قرن ششم پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حضرت یوسف (ع)، قرآن، قرن ششم، یعقوب

۱- مقدمه

داستان یوسف از دیرباز به عنوان داستانی شورانگیز در ساحت ذهنی شاعران و نویسندگان و داستان پردازان و سخنوران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. بن‌مایه اصلی آن بر گرفته از مجموعه معارف و فرهنگ اسلامی و جلوه‌ای بارز از کتاب آسمانی قرآن است. کمتر کسی است که بدان نپرداخته و یا نکات و ظرایف و لطایفی از آن را موضوع شعر و اثر خود قرار نداده است. برداشت و قرائت و نوع نگاه جریان‌های فرعی در درون داستان به گونه‌ای است که برخی در تفسیر آن تا مرز اسطوره‌ی دینی نیز پیش رفته‌اند و در تدوین و انتخاب اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی اثر محمد جعفر یاحقی که زندگی و فراز و نشیب‌های زندگی حضرت یوسف (ع) را به تفصیل آورده است.

داستان یوسف صرفاً یک روایت اسطوره‌ای نیست که یکبار رخ داده و به اتمام رسیده است. بلکه واقعه‌ای است که بارها از روز ازل برای تک‌تک انسان‌ها رقم خورده است و تمام بشریت آن را تجربه می‌کنند. یوسف، گویی با روح پاک و بی‌آلایشی است که در سیر و سلوک روحانی خود از قوس نزول به جانب قوس صعود دست خوش رنج‌ها و سختی‌های بسیاری می‌شود و سال‌ها به جرم بی‌پاکی در چاه و زندان دنیا اسیر اهل دنیا می‌گردد و در رنج و فراق و دوری از محبوب و مطلوب خویش، صبر و راستی و تسلیم را پیش می‌گیرد، بر دشمنان خود رحمت می‌کند و بزرگواران می‌بخشد، بر وسوسه غلبه می‌کند، آزادگی را در اسارت و بند می‌بیند و بر می‌گزیند و سرانجام به واسطه ایمان خلل‌ناپذیر و راسخ به معبود حقیقی از بند هستی رها می‌گردد و در مصر کائنات، عزیز جهان می‌شود.